



■ پنج فیلمنامه (آندری تارکوفسکی)

■ ترجمه: مجید اسلامی، هادی چیردار و...

■ نشر نی، ۱۳۸۲

تارکوفسکی (۱۹۳۲-۱۹۸۶) کارگردان روسی که حالا جایگاه کلاسیک پیدا کرده است، در سراسر زندگی اش دچار نوعی تناقض می نمود. وی معتقد بود که برای اینکه سینما بتواند به عنوان هنری مستقل شکل بگیرد باید از شر بیان ادبی و تئاتری‌ها رها گردد و سبک ناب سینمایی بیابد. به باور هر اثر هنری که ساخته می شود باید از هرگونه شیوه‌های سنتی و ادبی و نمایشی خلاص گردد. با این افکار او خود شیفته‌ی ادبیات بود و در جایی گفته که اطمینان ندارد حتی برسون، برگمان و بونوئل توانسته باشند برای هنر سینما همان موجودیت مستقل ادبیات و توانایی سخن را در بیان اشتیاق‌ها و رنج‌ها و مسائل انسانی فراهم کرده باشند. او حتی در اثبات نظر به هایش نه از سینماگران، زیبایی‌شناسان و فیلسوفان هنر که سراغ از داستایوسکی، گوگول، تولستوی و رماتیک آلمانی می گرفت.

فیلم‌های او در عین زیبایی‌های تصویری و نوآوری‌های سینمایی، سرشار از تأثیر ادبی است. فیلم‌هایش بیانگر قدرت روایی، کلام جادویی، گزین‌گویی و منش شاعرانه است و اشاره فراوانی به ادبیات روسی دارد. فیلم استاکر او حضور داستایوفسکی و گوگول را نشان می دهد. در فیلم آینه با اشعار تارکوفسکی به سنت بیان ادبی روسیه بازمی گردیم.

تارکوفسکی معتقد بود که یک کارگردان مؤلف باید فیلم‌نامه‌ی اثرش را خود بنویسد و یا حداقل رأی خودش، رأی نهایی باشد. ایثار تنها متنی است که به طور کامل توسط خودش نوشته شده و حتی در استاکر نیز متن فیلم‌نامه کار خودش بود. به نظر او فیلم‌نامه روش بیان سینمایی و شیوه‌ی کار او را مشخص می کرد. کودکی ایوان، سولاریس و استاکر بر اساس آثار ادبی ساخته شده‌اند و آندری روبلف، نوستالگیا و ایثار نوشته خود او هستند.

در مجموعه‌ی فیلم‌نامه‌هایی که در پایان زندگی اش در غرب منتشر کرد سه متن دیگر به چشم می خورد: باد ملایم، هوفما نیانا، و سادر. از فیلم‌نامه‌ی غلتک و ویولن نیز که کار مشترکی با آندری کونچالوفسکی بود در این مجموعه دیده می شود. کودکی ایوان فیلم نامه اقتباسی از داستان ولادیمیر بوگومولوف که در سال ۱۹۵۸ منتشر شد و سولاریس نیز استوار بر رمان علمی - خیالی سولاریس اثر استانیسلا ولم نویسنده لهستانی بود که در سال ۱۹۶۱ منتشر شد.

در این فیلم که حادثه‌ای بزرگ در هنر روسیه سده‌ی پیش به شمار می رود تارکوفسکی تنها اعتراضش به سرکوب و استبداد حاکم در شوروی نبود، بلکه او به تلقی انسان مدرن از پیشرفت مادی، بندگی او از توسعه تکنولوژی، از بین رفتن معنویت و فهم نادرست از آزادی انسانی اعتراض داشت. در واقع سولاریس انتقادی به مدرنیته، خردباوری علمی و تکنولوژیک و اعلام ضرورت تبارشناسانه فهم بحران روزگار نو و درک نقطه‌ای است که انحراف و تباهی از آن آغاز شده است، و در عین حال جرقه‌ای از امید را زنده نگه می دارد.

فیلم استاکر نیز بر اساس داستان علمی - خیالی گردش کنار جاده اثر بوریس استروگاتسکی و آرکادی استروگاتسکی (۱۹۷۲) ساخته شده است. در این داستان استاکرها کسانی بودند که راز ورود به منطقه‌ی ممنوعه را می دانند و با قانون‌های نامعمول و فراطبیعی‌ای که در آن منطقه حاکم است، آشنایی دارند.

در آندری روبلف نکته‌ی مرکزی فیلم شرح مصیبت زندگی هنرمند روسی بود. فیلم بدون پرده‌پوشی از مصیبت زندگی و کار هنرمندان روسی سخن می گفت و شیوه‌ی دیگری از نگاه به جهان را پیش می کشید. آینه نیز بر اساس متنی که خود تارکوفسکی با عنوان «یک روز روشن روشن» نوشت ساخته شد. اهمیت آینه در این بود که از راه زندگی نامه‌ای خود نوشته به رنج‌هایی که یک ملت تحمل می کردند، می رسد. این فیلم شرح صادقانه‌ی زندگی و کابوس‌ها، خواست‌ها و کاستی‌های کودکی اوست. روایت زندگی یک فرد. آینه در معنایی، تصویری ذهنی از دنیای کودکی ایوان است و این دواثر را می توان قرینه‌ی یکدیگر دانست.

در این جلد که حاوی پنج فیلمنامه کودکی ایوان، سولاریس، استاکر، نوستالگیا، و ایثار می باشد، قصد آن است که در کنار اهداف آموزشی، بتوان متن‌هایی با اصالت و ظرافت ادبی منتشر کرد. آثاری که بتوانند هویتی مستقل از فیلم‌ها داشته باشند. در این مجموعه که نخستین جلد آن به چاپ رسیده همراه با فیلمنامه، زندگی نامه‌ی نویسنده و کارگردان فیلم و چند نقد دیگر قرار دارد.

این جلد، نخستین شماره‌ی ویژه‌ی مجموعه صد فیلمنامه است. در هر شماره به فیلمسازی بزرگ پرداخته شده و چند فیلمنامه از او نیز آورده می شود. در جلد حاضر بابک احمدی و صفی یزدانیان نیز مقاله‌ای را ضمیمه این اثر کرده‌اند.